

ثمررخی مدیر موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان مطرح کرد؛

موزه صنعتی به امکانات ارائه آثار معاصر نیاز دارد

اسما پورزنگی آبادی

ویدئو آرت، هنر محیطی و هنر چیدمان را به مجموعه کارهایمان نیافزاییم عنوان معاصر بودن از موزه برداشته می‌شود. هنر معاصر به لحاظ گویش، شیوه بیان، کانسپت‌های گوناگون تغییر کرده و در آن، توجه به ایده و مفهوم و ژرف‌گرایی و معناگرایی پررنگ شده است. ثمررخی با اشاره به این مطلب اظهار می‌کند: «بنابراین وقتی موزه هنرهای معاصر را داریم باید امکانات ارائه آثار معاصر را هم داشته باشیم». وی با تأکید بر اینکه «یکی از بزرگ‌ترین اتفاقاتی که نیاز داریم در موزه رخ بدهد فضایی برای ارائه پرفورمنس‌های تصویری و نمایشی است» توضیح می‌دهد: «وقتی موضوع نمایش مطرح است نگاه همه به سمت نمایش‌های کلاسیک است.

اما امروز در حوزه نمایش و سینما تحولاتی رخ داده و ما باید به این سمت حرکت کنیم. یک پروژه پرفورمنس ممکن است به پرفورمر و ساخت موسیقی و ویدئو آرت و حتی نمایش تک اثر نقاشی نیاز داشته باشد فضای موزه باید به این سمت برود». وی تأکید می‌کند: «چه بخواهیم چه نخواهیم باید یک موزه معاصر درست و حسابی داشته باشیم. لحاظ امکانات و ساختمان پیش‌بینی کنیم».

ثمررخی در پاسخ به این پرسش که آیا در استان برنامه‌ای در این خصوص وجود دارد؟ می‌گوید: «محببت‌هایی شده اما نه به صورت جدی. به نظرم هنوز در استان، این نیاز،



احساس نشده است».

گفتنی است، موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان در خیابان شریعتی نرسیده به چهارراه باغ‌ملی در بنایی با معماری پهلوی راه‌اندازی شده است. سردر بلند و زیبای ورودی موزه که در سال ۱۳۲۷ خورشیدی به بنا اضافه شده، با کاشی‌های معرق فیروزه‌ای و سیاه‌رنگ تزئین شده است. در ورودی موزه، بخش اداری و فروشگاه واقع شده است. موزه دو ساختمان اصلی دارد که در بنای مرکزی آن، حدود ۴۰۰ اثر در ۱۰ گالری به نمایش گذاشته شده است. نخستین آثار این موزه را همایون صنعتی اهدا کرد، استاد سیدعلی‌اکبر صنعتی نیز گنجینه‌ای از مجسمه‌ها و نقاشی‌های خود را به موزه بخشید، در ادامه، شهین سرلتی همسر همایون صنعتی مجموعه‌ای از آثار خارجی از جمله کارهای کاندینسکی و وازاری و مجسمه‌های رودن و هنری مور را به موزه اهدا کرد، بخش دیگری از آثار موزه را استاد علی خالقی - از شاگردان زنده‌یاد صنعتی به موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان اهدا کرد. تعدادی از آثار هم در جریان برگزاری نمایشگاه‌های تونی کرگ و اوکر در سال‌های میانی دهه نود به موزه اهدا شد. ثمررخی می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین اتفاقات، اهدای ۱۲۰ اثر از هنرمندان دهه‌های ۲۰ و ۳۰ خورشیدی بود که از سوی وزارت ارشاد به موزه اهدا شد و کمک کرد که تکه‌های پازل گم‌شده در مجموعه آثار هنرمندان کشورمان در این دوران تکمیل شود».

موزه صنعتی مهجور نیست

با وجود ارزش‌های بسیاری که این موزه دارد و تلاش‌هایی که برای نگهداری و ارائه آثار آن می‌شود، برخی بر این باورند که موزه خندقی که قرار بود زندان بشود، یتیم‌خانه شد. پس از حدود نیم قرن نگهداری و آموزش و تربیت بچه‌های بی‌سرپرست کرمان در این یتیم‌خانه، پرورشگاهی مدرن در کنار آن ساخته شد و ساختمان‌های بنا شده در خندقی که قرار بود زندان بشود، این‌بار به موزه تبدیل شد، موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان، که به گواه بسیاری، از لحاظ ارزش، تنوع و کیفیت آثار آن، پس از موزه تهران و در رتبه دوم در کشور قرار دارد. در این موزه، حدود ۴۰۰ اثر نقاشی و مجسمه از هنرمندان برجسته ایران و جهان به نمایش گذاشته شده است. آثاری که تماشای آن، چشم بیننده را به جهانی دیگر باز می‌کند. از نقاشی‌های سهراب سپهری و بهمن محمص و هوشنگ سیحون و ایران درودی گرفته تا مجسمه‌های استاد سیدعلی‌اکبر صنعتی و هنرمندان خارجی از جمله آگوست رودن فرانسوی، هنری مور انگلیسی، وازاری فرانسوی و صدها اثر نفیس دیگر. در کنار همه ارزش‌هایی که آثار یادشده دارد، آثار هنرمندان نوگرا و عینیت‌گرای دهه‌های بیست و سی خورشیدی که در این موزه نگهداری می‌شود، گنجینه علمی و پژوهشی جامعی را برای علاقه‌مندان فراهم کرده است. به این فهرست باید ۲ هزار اثری که در گنجینه موزه نگهداری می‌شود و گهگاهی به گالری‌ها می‌آید و کتابخانه موزه را هم افزود. در همین حال، این موزه تنها به دلیل آثاری که در گالری‌ها و گنجینه‌اش دارد، پرپها نیست. قصه‌ای که پشت موزه است، شخصیت حاج‌اکبر صنعتی و ماجراهایی که او در سال ۱۲۹۵ خورشیدی برای راه‌اندازی یتیم‌خانه در این مکان از سر می‌گذراند، خانمان‌دار شدن کودکان بی‌سرپرست و پرورش بزرگانی چون استاد سیدعلی‌اکبر صنعتی در این پرورشگاه و بعد، ایده‌ای که همایون صنعتی (نوه حاج‌اکبر) برای مدرن‌سازی پرورشگاه و تبدیل ساختمان قدیمی به موزه دارد و تلاش کسانی که در همه این ۱۰۳ سال پرورشگاه و موزه را زنده و از بلایای ارضی و سماوی در امان نگاه داشته‌اند نیز به اندازه کافی برای کرمانی‌ها مایه مباهات است. نقل است که همایون صنعتی که علاقه بسیار به هنر داشته، معتقد بوده که بعد از حمله آقامحمدخان، سواد بصری و سلیقه بینایی کرمانی‌ها به هم ریخته و باید با ابزار هنر، این سواد را تقویت کرد. در نتیجه چنین دیدگاهی، به کمک استاد صنعتی مجسمه‌ساز این موزه را راه‌اندازی و در سال ۵۵ افتتاح می‌کنند.

اگرچه طی سالیان متمادی، با اهدا و خرید آثار هنری ارزشمند، بر غنای موزه افزوده شده است اما این موزه، با شرایطی که دارد، دیگر نمی‌تواند چندان عنوان «هنرهای معاصر» را تداعی کند. میثم ثمررخی مدیر موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان در این‌باره به «فردای کرمان» می‌گوید: «فضای فعلی دیگر جوابگوی موزه هنرهای معاصر کرمان نیست چون امروز فضای هنری تغییر کرده است. به‌عنوان کسی که سال‌ها در این حوزه کار می‌کنم، معلم هنر هستم و تحصیلاتم در این حوزه بوده و بیش از ۲۰۰ نمایشگاه در موزه برگزار کردم، قاطعانه می‌گویم که فضای هنری دنیا مسیر متفاوتی پیدا کرده و شاید ایده و پرداختن به مسائل گوناگون که هنرمند باید آن را به‌عنوان یک رسالت مطرح کند حرف اول را می‌زند. شاید در سال‌های آینده، نمایشگاه‌های عکس و نقاشی و خوشنویسی به شکلی که امروز برگزار می‌کنیم دیگر طرفداری نداشته باشد و اگر ترکیب گونه‌های هنری را با هم نداشته باشیم، شاید یک نمایشگاه برای مخاطب چندان جذاب نباشد. اگر حوزه هنر معاصر،



صنعتی کرمان در استان و کشور مهجور مانده است. ثمررخی اما این را نمی‌پذیرد: «مخاطب این موزه، مخاطب باغ شازده نیست. هرکس از گردشگران و مسافران نوروژی به کرمان سفر می‌کند بازدید از باغ شازده را در برنامه دارد اما موزه‌های تخصصی مخاطب خاصی خود را دارد. ما بازدیدکننده داشتیم که دو روز متوالی، از صبح تا عصر، موزه را دید».

مخاطب تخصصی موزه را می‌شناسد، با شناخت می‌آید و گاهی حتی افرادی از ما می‌رسند که شنیدیم فلان اثر از فلان هنرمند را می‌توانیم در این موزه ببینیم. آیا این اثر هست یا نه؟ بنابراین، به نظر می‌رسد در بین مخاطبان تخصصی، موزه شناخته‌شده است. وی در عین حال اظهار می‌کند: «ما اعتقاد داریم اگر معرفی موزه رویداد محور باشد خیلی تأثیر بیشتری دارد. رویدادهایی مثل پروژه دو باغ که به صورت مشترک توسط انجمن مجسمه‌سازان ایران و موزه هنرهای معاصر کرمان برگزار شد، فرصتی فراهم کرد که تمام هنرمندان درجه یک ایران که در حوزه هنر معاصر کار می‌کردند در جریان این پروژه با موزه آشنا شوند».

وی می‌افزاید: «البته اینکه بخواهیم از طریق کاتالوگ و بروشور و حتی تبلیغ در سطح شهر برای مردم کرمان موزه را معرفی کنیم را رد نمی‌کنیم اما تأثیری که مثلا نمایشگاه تونی کرگ در معرفی موزه به فضاهای بین‌المللی و کشوری داشت، هیچ نمایشگاه و بیلبوردی در سطح شهر نداشت».

رویدادهایی مثل تونی کرگ ادامه دارد

اما رویدادهایی مثل نمایشگاه تونی کرگ عقیم ماند؛ ثمررخی در پاسخ به این نقد می‌گوید: «نه، ادامه داشت. دو سال بعد از آن، نمایشگاه «گوتتر اوکر» را داشتیم تا اینکه شیوع کرونا آغاز و بسیاری از موزه‌های دنیا و کشور تعطیل شد. البته در دوران کرونا، کتاب موزه که اثری نفیس است چاپ و در کشور پخش شد». مدیر موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان می‌افزاید: «برنامه‌هایی برای امسال هم در نظر گرفته شده است اما هنوز در حد طرح‌هایی است که مشاوران موزه باید آن را تایید و امکان‌سنجی کنند. از جمله این برنامه‌ها، برگزاری نمایشگاه خارجی در حوزه معماری است که امسال حتماً ما آن را خواهیم داشت. همچنین، با توجه به رفع خطر کرونا، رویدادهای سال‌های گذشته را ادامه می‌دهیم و در این زمینه، همکاری‌هایی هم با شهرداری کرمان داریم که امیدواریم به نتیجه برسد».

نمایشگاه گروهی بهتر جواب می‌دهد

یکی از رویدادهایی که در گذشته در موزه شاهد آن بودیم، برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی بود. چرا دیگر از این نوع نمایشگاه‌ها نداریم؟ ثمررخی در این‌باره توضیح می‌دهد: «پروژه‌های جنبی و نمایشگاهی از موضوعاتی است که در گذشته، به شدت برای ما چالش‌هایی داشت. در گذشته، نمایشگاه‌هایی که برگزار می‌شد معمولاً

انفرادی بود در حالی که وظیفه موزه شناخت نیست. وظیفه موزه، معرفی و تقویت دانش «مخاطب این موزه، مخاطب باغ شازده استان است. با این نگاه و رویکرد، نمایشگاه انفرادی دو آسیب به فضای هنری می‌زد. یکی اینکه تمام هنرمندان درجه یک که در کرمان فعالیت می‌کردند انتظار داشتند آثارشان در موزه به نمایش گذاشته شود. این اما باعث می‌شد کیفیت آثار به نمایش گذاشته‌شده در نگارخانه‌های سطح شهر کاهش پیدا کند. مسئله بعدی این بود که پیدا کردن هنرمندانی که سطح آثارشان در حدی باشد که در کنار آثار هنرمندان بزرگ ایران و جهان به نمایش گذاشته شود خیلی کم بود. مخاطبی هم که باید از فضای موزه شهری به عنوان فضای نمایشگاهی استفاده کند زیاد بود و افراد زیادی می‌توانستند با یک یا دو اثر نمایشگاه برگزار کنند. برای رفع این مشکلات، تمرکز ما بر روی نمایشگاه‌های گروهی و رویدادهایی رفت که خود موزه تعریف می‌کرد. نمایشگاه‌های گروهی مخاطب ما را افزایش داد. به عنوان مثال، نمایشگاه استانی «به تماشای بهار» ۱۴ سال است که پشت سر هم برگزار شده و الان به حدی از بلوغ رسیده است. یکی از بهترین نمایشگاه‌های به تماشای بهار مربوط به سال ۱۴۰۲ بود. بیش از ۴۰۰ اثر به دبیرخانه این نمایشگاه ارسال شد و ۱۷۰ اثر اجازه ورود پیدا کردند. می‌خواهیم پتانسیل تجسمی استان را در کنار آثار بزرگان هنر ایران برای مخاطب نوروژی که وارد موزه می‌شود به نمایش بگذاریم و این مخاطب بداند بعد از چهار دهه موزه، ثمره آن برای حوزه تجسمی کرمان چه بوده است. جالب بود در نمایشگاه امسال ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان، بانوان کرمانی بودند و این نقطه عطفی برای ما بود که در حوزه هنرهای تجسمی چه‌قدر بانوی هنرمند تراز اول تربیت شده است».

شایان ذکر است، از دیگر ویژگی‌های موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان می‌توان به موقعیت آن اشاره کرد که در حاشیه یکی از پر ترددترین پیاده‌روهای شهر واقع شده و کسی از رهگذران نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. اگرچه در معابر نزدیک به موزه، تابلوی راهنما که افراد را به سمت این بنا هدایت کند وجود ندارد، سردر باشکوه آن در میان انبوهی از آسفتگی‌ها، جلب توجه می‌کند.

اما آیا این موزه، پس از حدود نیم قرن، توانسته به تقویت سواد بصری کرمانی‌ها - آن‌طور که همایون صنعتی آرزویش را داشت - کمک کند؟ این موزه از زیرمجموعه‌های وزارت ارشاد است، آیا همسنگ با ارزش و اهمیتی که دارد، از سوی نهادهای دیگر از جمله استانداری و شهرداری و میراث‌فرهنگی به این موزه بها داده می‌شود؟ هشدار می‌دهم که ثمررخی درباره کمبود فضا و از دست رفتن عنوان کاج محوطه موزه می‌دهد، درختان نیمه‌جان کاج محوطه موزه و وضعیت نامناسب فضای سبز آن و سایر کمبودهایی که وجود دارد، می‌تواند به پاسخ دادن به این پرسش کمک کند.

یادداشت

سقوط عکاسی خبری کرمان!



رحیم بنی‌اسدآزاد:

پنج‌شنبه گذشته که برای عکاسی به ورزشگاه باهنر رفتم شور و حال خاصی داشتم؛ این حس همیشگی من برای تک‌تک لحظاتی است که به عکاسی می‌روم. این بار بازی آخر فصل که یک پای آن برای قهرمانی و یک پای آن برای فرار از سقوط می‌جنگیدند برایم خاص و پر از سوزه‌های ناب بود؛ می‌دانستم شوق عکاسی‌ام را ارضا می‌کند، به جایگاه عکاسان که رفتم حسام به یقین تبدیل شد، عکاسان زیادی که با تجهیزات کامل به ورزشگاه آمده بودند نشان از حساسیت بازی داشت، نزدیک‌تر شدم و عکسی از عکاسان حاضر در ورزشگاه گرفتم، عکسی که شوقم را به آفسوس و حسرت تبدیل کرد، هیچ‌کدام از عکاسان حاضر در عکس کرمانی نبودند!

عکاسان ورزشی اصفهانی و تهرانی ورزشگاه باهنر کرمان را قرق کرده بودند؛ اما کرمانی‌ها کجا بودند؟ تنها هستم! سوزه عکاسی از این مهم‌تر؟ دیگر چه اتفاقی باید بیفتد که آن‌ها را به صحنه بکشاند؟ در هیچ منطق و ذات خبرنگاری نمی‌گنجد و جور در نمی‌آید که عکاس و خبرنگار باشی و از این سوزه بگذری؛ مگر این‌که واقعا عکاسی نباشد که متأسفانه باید بگویم این‌گونه است و کرمان عکاس خبری ورزشی که پای ثابت برنامه‌ها باشد ندارد، که اگر داشت الان ورزشگاه را پر می‌کردند؛ نه نکردند و نیستند.

ذوقم برای عکاسی تبدیل به حسرت شد؛ یادم آمد زمانی که تازه عکاسی را شروع کرده بودم همین تیم مس در آسیا رقابت می‌کرد، ما تعدادی عکاس کرمانی بودیم که بازی‌ها را پوشش می‌دادیم هرچند آن زمان هم تعداد ما در قیاس با دیگر عکاسان ناچیز بود و همیشه غیرکرمانی‌ها غالب بودند، اما حداقل بودیم و حضور داشتیم، نه مثل امروز که دیگر همان عکاسان هم نماندند و عرصه خبری را رها کردند.

چه شده که به جای پیشرفت به اینجا رسیدیم؛ جوابش واضح است و همه می‌دانند که بر عرصه خبری در این سال‌ها چه گذشته که بیانش تکرار مکررات است، اما در همین اوضاع هم می‌شد وضعیتی غیر از این داشت؛ مگر بقیه ندارند؟ همین اصفهانی که عکاسانش را در عکس می‌بینید و با لنزهایی که هیچ عکاس کرمانی آن‌ها را ندارد خودنمایی می‌کنند چه کردند که به این‌جا رسیدند، هیچ‌وقت این سوال را پرسیدیم و پرسیده‌اند؟ اصلا برای کسی مهم است؟ همه بحث‌ها که مالی نیست، هرچند خیلی مهم است؛ اما باید بستر هم فراهم باشد، آیا این برای رشد و پرورش عکاس خبری ورزشی کرمانی فراهم بوده و شده؛ آیا در این سال‌ها هیچ دوره آموزشی برگزار شده؛ ما همه که وارد این عرصه شدیم خودمان بر اساس علاقه و شوقمان تجربه کردیم و آموختیم و جلو رفتیم و خودمان دنبال فلان دوره و استاد بودیم؛ یادم نمی‌آید هیچ ارگانی برای رشد عکاسی خبری ورزشی تلاش کرده باشد.

خب باید هم هیچ عکاسی نداشته باشیم، می‌دانم همین اصفهان انجمن عکاسان مطبوعاتی و انجمن عکاسان حرفه‌ای‌اش فعال است و در کنار این‌ها، خانه عکاسانش دائم در حال آموزش و به‌روز کردن اعضایش است؛ انجمن‌هایی که اصلا در کرمان وجود خارجی ندارند، اصفهان باید هم رشد کند و عکاسانش با تجهیزات به‌روز، مسابقات را پوشش دهند، چون دیده شده‌اند و با آن‌ها حرفه‌ای رفتار شده و بستر رشد داشته‌اند.

فولاد مبارکه سپاهان ۲۷ عکاس و خبرنگار را با خود به کرمان آورد تا پوشش مناسبی از بازی آخرش داشته باشد چون تفکر حرفه‌ای دارد و می‌داند این چرخه دو طرفه است و برای همین حاضر است برای عکاس ورزشی هزینه کند و در ارتقایش بکوشد، چون خود او هم از این رشد سود می‌برد. تفکری که در کرمان در هیچ حوزه‌ای وجود ندارد و همین است که در این سال‌ها پس‌رفت کرده و همین می‌شود که نه تنها تیم شهرمان، بلکه عکاسی خیریمان و شاید خیلی چیزهای دیگرمان هم سقوط می‌کند.